

مؤلفه‌ها و شاخص‌های حفاظتی و اطلاعاتی با الگوگیری از سیره امام هادی علیه‌السلام

محمدحسین رجیبی دوانی^۱
مهدی عباس‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۵

چکیده

یکی از نیازهای جامعه اطلاعاتی حکومت اسلامی، تحقیقات بنیادین و کاربردی در زمینه مسائل اطلاعاتی و امنیتی بر گرفته از مبانی دینی و اسلامی است. از منابع بسیار مهم پاسخ به این نیاز، استخراج مبانی و اصول حفاظت اطلاعات از سیره امامان معصوم علیه‌السلام است. از آنجایی که عصر امام هادی علیه‌السلام با حساس‌ترین دوره حاکمیت عباسی و وجود تضییق‌های شدید علیه شیعیان همراه بود، فعالیت‌ها به صورت زیرزمینی و مخفی انجام می‌شد و پنهان‌کاری و نهمان‌گرایی شدیدی بر آن حاکم بود؛ بنابراین این مقاله به سیره امام هادی علیه‌السلام در حوزه حفاظت و اطلاعات می‌پردازد. بر همین اساس با استفاده از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب روایی و تاریخی مورد اعتماد و پذیرش متخصصین این حوزه و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به رفتار شناسی امام هادی علیه‌السلام بر اساس مؤلفه‌های حفاظتی و اطلاعاتی و شاخص‌های آن می‌پردازد. در این تحقیق وجود یک تشکیلات اطلاعاتی در قالب «سازمان وکالت» که توسط امام اداره می‌شد، شناسایی و معرفی شده است؛ علاوه بر این، آنچه به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های حفاظتی و اطلاعاتی از نتایج این تحقیق قابل احصاء می‌باشند عبارتند از: هدایت اطلاعاتی، مدیریت اطلاعاتی، بصیرت اطلاعاتی، ارتباطات پنهان، اقدام عملیاتی، نظم اطلاعاتی، فریب اطلاعاتی، آینده‌نگری، نفوذ معنوی، تمرکز بر دشمن، تحلیل اطلاعاتی، اخلاق اطلاعاتی، فرصت‌جویی هوشمندانه به عنوان رفتار اطلاعاتی، تقیه، خود حفاظتی، آگاه‌سازی تربیتی، پیشگیری مبتنی بر پیش‌بینی، حفاظت اسرار، حفاظت اسناد، حفاظت ارتباطات، حفاظت شخصی، حفاظت عملیاتی، رعایت کلی اصول حفاظتی، برخورد قاطع با متخلفین، ارشاد مبتنی بر هدایت، نظارت و واپایش، بازدارندگی، آمادگی قبل از تهدید، گزینش کارآمد به عنوان رفتار حفاظتی. به طور کلی آنچه به عنوان ابعاد و سطوح اصلی نظام حفاظت اطلاعات مبتنی بر سیره امام هادی علیه‌السلام، قابل ارائه و استنتاج است، جامع‌نگری و ابتنای نظام حفاظت اطلاعات بر ارکان معرفتی و تربیتی است.

کلید واژه‌ها: حفاظت، اطلاعات، سازمان وکالت، سیره امام هادی علیه‌السلام

۱- استاد یار دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام

۲- کارشناسی ارشد

۱ - مقدمه

از اهداف والای انبیاء و رهبران الهی، تأسیس نظام توحیدی بر پایه وحی و نبوت برای پیاده سازی احکام الهی، سعادت و به تکامل رساندن بشر به عنوان خلیفه الهی بیان شده است. در عصر جدید نیز، جمهوری اسلامی ایران نخستین حکومتی است که داعیه پیروی و اعمال اصول اسلامی در سیاست را دارد و نظام حاصل از این انقلاب نیز بر پایه‌های ایدئولوژی اسلامی استوار شده است. در جمهوری اسلامی، مسئولان به حفظ نظام و امنیت جامعه توجه خاصی داشته و شکل گیری نیروهای مسلح، سازمان‌ها و نهادهای امنیتی در این راستا بوده است. یکی از اجزاء نیروهای مسلح و سازمان‌های امنیتی، حفاظت اطلاعات است. بر اساس مبانی نظام اسلامی، سازمان‌های حفاظتی و اطلاعاتی هم باید بر مبانی و اصول اسلامی استوار باشد و ساختار سازمان و عملکرد آن نیز در این چارچوب شکل گیرد؛ بنابراین مبانی و اصول حفاظت اطلاعات باید از آموزه‌های اسلامی از جمله سیره معصومان علیه‌السلام استخراج شود. آنچه مهم است، استخراج اصول کلی و مبانی حفاظت اطلاعات در آموزه‌های اسلامی و سیره معصومین علیه‌السلام است که این امر موجب می‌شود فعالیت‌ها و اقدام‌ها، همسو و هماهنگ با اهداف و مبانی شرع مقدس اسلام و دستوره‌های دینی و سیره معصومان علیه‌السلام تنظیم شود تا از رویکردهای غیر الهی و غیر اخلاقی فاصله گرفته و از هر نوع رفتار و عملکرد با شائبه‌ی غیر اسلامی در سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی نظام اسلامی، پرهیز شده و هویت بخشی دینی در ساختار و عملکرد حفاظت اطلاعات و رفتار کارکنان آن، جاری شود؛ علاوه بر این، مطابق اعتقاد شیعه، قول، فعل و تقریر امام معصوم علیه‌السلام برای ما حجت است.

مطالعه سیره عملی ائمه اطهار علیه‌السلام در طول زعامت و امامت ایشان، نشان می‌دهد که به رعایت مسائل حفاظتی و امنیتی اهتمام داشته و با استفاده از شیوه‌های مختلف و با انجام اقدامات حفاظتی، ضریب امنیت خویش را ارتقاء بخشیده و دشمنان را از دسترسی به اطلاعات مهم و ارزشمند، ناکام ساخته‌اند. از آنجایی که پرداختن به جنبه‌های مختلف حفاظت اطلاعات از دریای اندیشه و افکار متعالی اسلام در سیره ائمه اطهار علیه‌السلام در این نوشتار مقدور نمی‌باشد؛ لذا دوره امامت امام هادی علیه‌السلام مورد مطالعه و تحقیق قرار خواهد گرفت.

با توجه به مطالب تاریخی، از دوره حکومت متوکل عباسی که مصادف با وجود مبارک امام هادی علیه‌السلام بوده است، سخت‌گیری بر شیعه و ائمه شدت گرفت و امام هادی علیه‌السلام به شهر سامرا و تحت حکومت مرکزی فراخوانده شد. در دوره امام هادی علیه‌السلام با توجه به وضعیت امنیتی و اطلاعاتی آن زمان، حکومت وقت، تلاش بسیاری برای هدف قرار دادن ایشان به عمل می‌آورد؛ و در این میان امام

هادی علیه‌السلام علی رغم این که در منطقه‌ای نظامی و تحت واپایش شدید اطلاعاتی توسط دشمن بودند، از روابط تشکیلاتی با شیعیان، محافظت به عمل می‌آوردند. اکنون این سؤال مطرح است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های حفاظتی و اطلاعاتی در سیره امام هادی علیه‌السلام چیست؟ با توجه به شرایط امنیتی دوره، حضرت امام هادی علیه‌السلام چه رفتارهای حفاظتی و اطلاعاتی را انجام داده‌اند و چه مواردی را می‌توان در این حوزه از سیره ایشان برشمرد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان در کلام و گفتار امام و یا رفتار ایشان مواردی در خصوص تبیین مفاهیم اطلاعات و حفاظت و یا راهبردهای حفاظت و اطلاعات را استخراج کرده و در عصر کنونی مورد استفاده قرار داد؟

با توجه به کتب معتبر روایی؛ تعریف، اقدامات، سخنان، رفتار و سیره امام هادی علیه‌السلام مورد تحلیل قرار گرفته است.

برای اجرای تحقیق، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش جمع آوری مطالب کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۲- محیط‌شناسی

۲-۱- گذری بر زندگانی امام هادی علیه‌السلام

حضرت امام ابوالحسن علی النقی الهادی علیه‌السلام، پیشوای دهم شیعیان، در نیمه ذی‌الحجه سال ۲۱۲ هجری در اطراف مدینه در محلی به نام «صریا»^۱ به دنیا آمد. پدر گرامی‌اش حضرت جوادالائمه و مادرش بانوی فضیلت و تقوی «سمانه مغربیه» بود (مجلسی، ج ۵۰، ۱۱۴).

امام دهم، در خانه‌ای دیده به جهان گشود که فضای آن آکنده از معنویت و اخلاص و بندگی خدا بود. محیط زندگی امام هادی علیه‌السلام از نظر سیاسی و فرهنگی دارای ویژگی خاصی بود. دستگاه خلافت عباسی، پدر گرامی‌اش را تحت فشار گذاشته بود، از این رو امام هادی علیه‌السلام از همان خردسالی با ترندها و سیاست بازی‌های حاکمان ستم کار و رسالت سنگینی که پیشوایان حق در قبال آنان به عهده دارند، آشنا بود و خود را برای پذیرش مسئولیت امامت در شرایطی مشابه دوران پدرش آماده می‌ساخت.

حضرت امام هادی علیه‌السلام در سال ۲۲۰ هجری، پس از شهادت پدر گرامی‌اش، بر مسند امامت نشست. ایشان در آن هنگام، ۸ سال سن داشتند. مدت امامت آن بزرگوار ۳۳ سال و عمر شریفشان ۴۱ سال و چند ماه بود و در سال ۲۵۴ در شهر سامرا به شهادت رسید. (همان، ۱۴)

۱- می‌گویند صریا را حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام تأسیس کرده بود.

امام هادی علیه‌السلام با هفت تن از خلفای عباسی، معاصر بود که به ترتیب عبارتند از: مأمون، معتصم (برادرمأمون)، واثق (پسر معتصم)، متوکل (برادر معتصم)، منتصر (پسر متوکل، مستعین) پسر عمومی منتصر و معتز (پسر متوکل).

دوران متوکل، شرایط بسیار سختی برای شیعیان بود و متوکل تلاش‌های بسیار مذبحخانه‌ای بر ضد امام هادی علیه‌السلام انجام داد که برخی از آن عبارتند از:

- تبعید امام هادی علیه‌السلام به سامرا (همان، ۱۶۱)
- ایجاد محدودیت برای امام و جلوگیری شیعیان از ارتباط با آن حضرت (همان، ۱۹۴)
- احضار امام به بهانه‌های مختلف. (همان، ۲۱۱)
- توهین و تحقیر امام (رفیعی، ۱۳۸۲: ۲۲۴)
- توطئه نافرجام ترور امام (همان: ۲۳۱)

۲-۲- شرایط سیاسی - امنیتی جامعه

دوران امام هادی علیه‌السلام فاصله انتقال میان دو عصر متفاوت از دوران حکومت عباسیان به حساب می‌آید. در این دوران، پدیده‌های بسیاری به چشم می‌خورد که پیش‌تر در زمامداری عباسیان دیده نشده بود. دوران امامت امام هادی علیه‌السلام از نظر سیاسی - امنیتی از ویژگی‌های زیر برخوردار بود.

۲-۲-۱- بی‌کفایتی زمامداران عباسی

حکومت عباسیان، بر اساس تیره و نژاد به گروه‌های قدرت طلب درون دولت عباسی تجزیه شده بودند. آشکارترین اثر این اتفاق، زوال هیبت و عظمت مقام خلافت بود. (رفیعی، ۱۳۸۲: ۲۱۸)

۲-۲-۲- گسترش فساد در دستگاه خلافت

خوش‌گذرانی، می‌گساری و آوازه‌خوانی از ویژگی‌های دستگاه خلافت زمامداران دوره دوم عباسی است. خلفا به جای رسیدگی به کار مردم و اداره امور کشور، وقت خود را به عیاشی و بزم‌های آنچنانی می‌گذراندند. از بارزترین نمودهای این فساد از بین رفتن روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری کارگزاران و رواج بازار رشوه و اختلاس اموال عمومی در میان کارمندان دولت بود. به گونه‌ای که پست‌ها نه بر مبنای لیاقت و کاردانی افراد، بلکه بر پایه مقدار پول و رشوه‌ای که پرداخت می‌کردند به آنان واگذار می‌شد. (همان)

۳-۲-۲- بحران مشروعیت در حکومت عباسی

عباسیان در این دوره با بحران شدید مشروعیت در حکومت خود مواجه بودند. بحران مشروعیت از مهم‌ترین عواملی بود که قدرت سیاسی عباسیان را به چالش کشیده و منجر به تزلزل و عدم ثبات سیاسی در قلمرو اسلامی شد.

۴-۲-۲- بروز آشوب‌ها و فتنه‌ها در قلمرو اسلامی (علل و انگیزه بروز آشوب‌ها)

در دوران امامت امام هادی علیه‌السلام قلمرو خلافت اسلامی پس از یک آرامش نسبی در اواخر دوران مأمون، صحنه درگیری‌ها، آشوب‌ها و جنبش‌های مسلحانه‌ی گروه‌های مختلف با انگیزه‌های گوناگون بود. (همان: ۲۱۹) قیام‌ها علیه حکومت عباسی از جمله عوامل ضعف سیاسی و کاهش اقتدار و شیوع قیام‌ها علیه حاکمیت عباسیان بود. در همه قیام‌ها به نوعی مسئله مشروعیت عباسیان مطرح است.

۵-۲-۲- قیام‌های ایدئولوژی و عقیدتی (بقیه قیام‌ها)

این قیام‌ها به مانند قیام علویان در مناطق مختلف قلمرو عباسیان و شهرهایی مانند کوفه، مکه، مدینه، بصره، خراسان، ری، طبرستان (مازندران)، گیلان و دیگر مناطق گسترده بود؛ و از هر سو، حکومت مرکزی را دچار بحران و چالش می‌کرد. این قیام‌ها تبعات اجتماعی و سیاسی بسیار مخربی از جمله: ناامنی در مناطق مختلف، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در جهان اسلام بر جای گذاشت. راهزنان، غارت‌گران و دزدان در جامعه، امنیت را مخدوش می‌کردند. بدین ترتیب وضع اجتماعی، آسیب‌های فراوانی بار می‌آورد. جامعه همواره در تلاطم و آشفتگی ناشی از تبعات بحران‌های بزرگ واقع شده بود. حاکمان این دوره در مواجهه با این پدیده‌ها از مدیریت اجتماعی و داشتن برنامه‌های مقتدرانه و تصمیمات عاقلانه عاجز بودند. یکی از قیام‌ها علیه حاکمیت عباسیان، قیام قبیله‌ای اعراب طرفدار بنی‌امیه و مخالف عباسیان از خوارج و سایر فرقه‌های مذهبی بود. عدم اتکای سیاسی عباسیان به اعراب و قبایل عربی به جز خویشان و نزدیکان خود، نوعی سلب اعتماد از اعراب بود که برای آنان (اعراب) نگران‌کننده بود.

۶-۲-۲- عدم اقتدار حکومت مرکزی

از نظر امنیتی در دوره امامت امام هادی علیه‌السلام، حکومت مرکزی در وضعیت عدم ثبات به سر می‌برده است. قیام‌های منطقه‌ای و سرکشی از حکومت مرکزی توسط امیران و حاکمان مناطق، قیام‌های ضدحکومت

توسط علویان و دیگر افراد و... فضای بسیار متشنج و پرآشوبی را ترسیم می‌کند. (دوانی، ۱۳۷۸: ۱۷۴)

۲-۲-۷- بروز جریان‌های عقیدتی انحرافی

دوران امام هادی علیه‌السلام، اوج پیدایش مکتب‌های گوناگون عقیدتی بود که بستر آن با ایجاد فضای فکری توسط حکومت عباسی فراهم شده بود. گردانندگان و نظریه‌پردازان این حرکت‌ها، متشکل از عناصر فریب خورده، فرصت طلب و سودجو بود. این گروه‌ها عبارت بودند از:

الف) غلات (مجلسی، ج ۲۵، ۳۴۶) (جعفریان، ۵۲۸-۵۲۴)

ب) صوفیه

ج) واقفیه (رجال کشی، ص ۴۶۰) (خویی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱، ۲۵۹)

د) مجسمیه (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ۱۰۰)

ه) باورمندان به رؤیت (الطبرسی، ۱۴۱۶، ق، ج ۲، ۴۸۶)

۲-۲-۸- ایجاد شبهه‌های دینی، فتنه‌انگیزی و فتنه جویی دانشمندان مزدور (توضیح اقسام شبهه‌ها)

افزون بر شبهه‌های خرد و کلانی که توسط دانشمندان مزدور و فرقه‌های مرجع آن دوران در حوزه‌ی دین مطرح می‌شد، کشمکش‌های بزرگ بر سر مسائل بنیادین و زیر بنایی اسلام، هر از چند گاهی رخ می‌نمود که دامنه‌ی فتنه‌انگیزی آن، اندیشه‌ی قشر گسترده‌ای از مسلمانان و گاه شیعیان را در بر می‌گرفت. یکی از بزرگ‌ترین این فتنه جویی‌ها، موضوع مخلوق بودن قرآن بود که مدت‌ها اندیشه مسلمانان را به خود مشغول ساخته بود و چه بسیار انسان‌هایی که به جهت عقیده به آن، جان خود را از دست دادند! خلفای عباسی با مطرح ساختن این پرسش و نیافتن پاسخ دلخواه خود، مخالفان را به شدت سرکوب می‌کردند. از این دسته «احمد بن نصر خزاعی» را می‌توان نام برد که از مخالفان دولت عباسی بود و یک بار هم نقشه قتل واثق، خلیفه عباسی را کشید، ولی نافرجام ماند. خلیفه نیز برای از میان برداشتن او با طرح این پرسش که آیا قرآن مخلوق است یا خیر؟ برنامه سرکوب او را آغاز کرد و پس از بیان پرسش‌های گوناگون در این زمینه و دیگر مسائل اعتقادی، بهانه‌ای برای قتل وی به چنگ آورد و او را از میان برداشت. (محمد بن جریر طبری، بی‌تا، ج ۹، ۱۳۴). واثق، احمد بن نصر را که معتقد به خلق قرآن نبود، دست بسته از بغداد به سامرا آورد و از او درباره خلق قرآن پرسید. هنگامی که از عقیده او آگاهی یافت، گردن او را زد و دستور داد سرش را در بغداد و بدنش را در سامرا آویزان کنند و برگه‌ای به گوش او آویختند که بر آن نوشته شده بود: «این سر احمد بن نصر است که معتقد به خلق قرآن و نفی تشبیه خداوند نیست!» (السیوطی، ۱۴۰۶، ق، ص ۲۸۴؛ تاریخ طبری، ج ۹، ص ۱۳۴).

۲-۲-۹- تلاش خلفای عباسی در انحراف افکار عمومی از امام و از بین بردن شیعه

رفتار و عملکرد خلفای عباسی بر این مسئله دلالت دارد که آن‌ها به هر نحو ممکن در صدد از بین بردن شیعه بوده‌اند. سخت‌گیری بر امام و شیعیان، شایعات واهی در خصوص شیعیان و مستمسک قرار دادن این مسائل برای برخورد با شیعه، تحت مراقبت قرار دادن امام و جلوگیری از مرادده با مردم و... بخشی از این مسائل است. (مجلسی، ۱۳۶۴: ۲۸۴)

۲-۳- راهبردهای پیشگیرانه و مقابله‌ای امام هادی علیه‌السلام

امام هادی علیه‌السلام با به‌کارگیری یک سلسله برنامه‌های ارشادی و تربیتی، مبارزه‌ی غیرمستقیمی را با حاکمیت آغاز کرد و بی‌آنکه حساسیت دستگاه را متوجه خود سازد، به انجام فعالیت‌هایی بر ضد آن‌ها پرداخت. در مواقع لازم نیز تاجایی‌که حیات شیعه را به مخاطره نمی‌انداخت، دامنه‌ی آن را گسترده‌تر می‌ساخت و با این فعالیت‌ها، بی‌اساس بودن این تصور را که «امام به‌دلیل مراقبت دشمن، در مسائل سیاسی مداخله نمی‌کرد و هیچ‌گونه مبارزه‌ی سیاسی نداشت» آشکار کرد. گفتنی است امام در شرایط حاکم، به بهترین شیوه‌های مبارزاتی دست می‌زد که در بسیاری موارد، دشمن را مرعوب خود می‌ساخت و او را غافلگیر می‌کرد. راهبردهای اتخاذ شده توسط امام را می‌توان با دو رویکرد سلبی و ایجابی مورد بحث قرار داد. مهم‌ترین راهبردهای امام با رویکرد سلبی عبارتند از:

۲-۳-۱- نامشروع معرفی کردن حکومت عباسیان

امام با استفاده از فرصت‌های مناسب، با نامشروع معرفی کردن عباسیان، مسلمانان را از هرگونه همکاری با آنان مگر در موارد ضرورت بر حذر می‌داشت و با این کار، چهره‌ی این مفسدان را برای مردم بیشتر آشکار می‌کرد. (العاملی، ج ۱۲، ۱۳۷)

۲-۳-۲- مبارزه با گروه‌های منحرف عقیدتی

دوران امام هادی علیه‌السلام اوج پیدایش مکتب‌های گوناگون عقیدتی بود که بستر آن با ایجاد فضای فکری به وسیله‌ی حکومت عباسی فراهم شده بود. تیز بینی امام در شناخت خط توطئه و استحاله فرهنگی، نقشه‌های دین ستیز جریان‌های انحرافی را آشکار می‌ساخت. اگر چه مراقبت شدید از ایشان، اندکی آنان را در رسیدن به هدف ننگینشان یاری می‌داد و

عدم دسترسی به امام، مشکلات جامعه اسلامی را افزون‌تر می‌کرد، ولی امام با نهایت درایت در خنثی کردن این توطئه‌های فرهنگی می‌کوشید.

با توجه به وجود تبلیغات گروه‌های انحرافی از قبیل مفوضه، غلات، صوفیه، ثنویه و... امام یکی از راهبردهای خود را مقابله با تبلیغات و افشای اهداف این فرقه و نیز باطل کردن استدلال‌های این گروه‌ها قرار داده بودند. مهم‌ترین راهبردهای امام با رویکرد ایجابی عبارتند از:

۲-۳-۳- تلاش برای پی‌ریزی جامعه‌ای بیدار

از اهداف مهم و اساسی امام، تلاش برای پی‌ریزی جامعه‌ای بیدار و آگاه بود که در پرتو ایمان، به‌عنوان زمینه‌ای برای تحقق آرمان‌های ارزشمند خلافت اسلامی و حکومت خاندان پیامبر(ص) عملی می‌شد.

۲-۳-۴- حفظ مصالح کلی و دراز مدت جامعه اسلامی

برجسته‌ترین اهداف سیاسی پیشوایان اسلام در ادوار مختلف؛ حفظ مصالح کلی و دراز مدت جامعه اسلامی، حفظ جامعه اسلامی از خطر نابودی و نیز روشن نگه داشتن چراغ اسلام در کوران حوادث بوده است. آنان از رویارویی با ستم‌پیشگان و ضدیت با دستگاه ستمگر، کوچک‌ترین هراسی نداشتند، ولی با درایت و تیزی، به شکل دادن مبارزات بر اساس شرایط حاکم و در نظر داشتن کامل اوضاع می‌پرداختند.

۲-۳-۵- تبیین مقام و جایگاه امام و امامت در جامعه اسلامی

مهم‌ترین حرکت و راهبرد فرهنگی امام هادی علیه‌السلام تبیین مسئله امامت و تعمیق فکر شیعه درباره مبحث امام شناسی است که در قالب زیارت جامعه کبیره بیان شده است. «زیارت جامعه کبیره» یک دوره کامل امام شناسی است.

۲-۳-۶- تبلیغ اندیشه مهدویت

امام هادی علیه‌السلام با تشدید تفکر مهدویت در عمل، نظام خلافت سلطنتی را به چالش می‌خواند و نظام ولایی را تبلیغ می‌کرد. آن حضرت اگر هم سخن نمی‌گفت ولی وجود او خود فریاد بلندی بود که نظام ولایی را تأیید و نظام خلافت سلطنتی را تهدید می‌کرد.

۲-۳-۷- حفظ جان شیعیان و امید بخشی به آنان

با توجه به عدم ثبات سیاسی و دعوای قدرت بین درباریان و فرماندهان نظامی و از سوی دیگر؛ عدم آمادگی شیعیان (از نظر عده و عده)، هرگونه نشانه و علامت مبنی بر قصد امام برای حرکت به منظور تصاحب قدرت، می‌توانست باعث قتل ایشان و سرکوب شدید شیعیان شود، گو اینکه علی رغم عدم اقدام جدی امام در این خصوص، شیعیان با شدیدترین وضعیت توسط حکومت و عمال آن، مورد آزار و اذیت قرار گرفته و به زندان و حبس محکوم و یا به قتل می‌رسیده‌اند؛ بنابراین امام یکی از راهبردهای خود را بر پایه حفظ جان شیعیان قرار دادند تا با استفاده از شرایط بتوانند اهداف خود را عملی نمایند.

«سازمان وکالت» به نیابت از طرف معصومان علیهم السلام در دوره‌های پیشین نیز مصداق داشت. اما در دوره امام هادی علیه‌السلام این سازمان وسیع علمی، فکری و سیاسی از نمود خاص و برجستگی ویژه‌ای برخوردار شد و فواید مهمی را در پی داشت.

پیوند مستمر بین امام و پیروان در اقصی نقاط جهان اسلام که می‌توانست پیام امام را مثل ابزار ارتباطی امروزی به سرعت و به طور نظام‌مند به شیعیان از یک کانال مؤثق و معتبر برساند، بدون این که از لحاظ امنیتی برای پیروان اهل بیت علیهم السلام مشکل ساز باشد و از نظر جغرافیایی مکان آن‌ها را برای دیگران معلوم سازد، انجام می‌گرفت.

این عملیات و شبکه مهم، می‌توانست از نظر علمی و فقهی نیازهای مردم را از منبع اصلی در دسترس قرار دهد که رفع شبهات عقیدتی و فکری از نتایج بدیهی و اولیه آن بود.

شبکه گسترده «وکالت» یک سازمان بزرگ علمی نیز بشمار می‌آمد که الگویی برای تشکیل حوزه‌های علمی امروز بود. منشأ علمی سازمان، امام معصوم علیه‌السلام بود و نیازها را ایشان رفع می‌نمود. «شبکه وکالت» در مسیر تکاملی خود، بعدها به مراکز فقهی و کلامی تبدیل شد و بدین ترتیب مسائل فقهی و کلامی از کانال مورد اطمینان برای پیروان، به منزله‌ی یک چتر حمایتی بزرگ و مصون بخش بود که تهاجم‌های فرهنگی را نیز بدون واکنش آشکار فیزیکی، پاسخ داده و دفع می‌نمود.

۳- اهمیت شاخص‌های حاصل از مؤلفه‌های حفاظتی و اطلاعاتی

امام هادی علیه‌السلام برای به اجرا در آوردن راهبردها، مهم‌ترین روشی (تاکتیک) که به کار می‌بردند، سازماندهی مبارزات سرّی در قالب «سازمان وکالت» بوده است. یکی از شیوه‌های رهبری امام هادی علیه‌السلام، مدیریت مبارزات مخفیانه با حکومت استبدادی و طاغوتی عصر بود. آن حضرت فعالیت‌هایش را

در موارد متعددی، مخفی کرده و دور از چشم عاملان حکومت انجام می‌داد. برخی از مؤلفه‌های حفاظتی و اطلاعاتی که می‌توان از مطالعه «سازمان وکالت» و روش‌های (تاکتیک‌ها) مقابله‌ای آن امام همام به عنوان شاخص، استخراج کرد، عبارتند از:

۳-۱- تشکیلات وکالت به مثابه سازمان اطلاعاتی

شرایط بحرانی‌ای که امامان شیعه با آن روبرو بودند، ایجاب می‌کرد که به ابزار جدیدی برای برقراری ارتباط با پیروان خود دست یابند و این چیزی جز شبکه ارتباطی «وکالت» و تعیین نمایندگان در مناطق مختلف نبود. این تشکیلات که از نیمه دوم عصر امامت یعنی از عصر امام صادق علیه‌السلام به بعد آغاز به کار نمود، به تدریج دارای نظم، گستردگی و هماهنگی بیشتری شد تا آنجا که در عصر امام هادی علیه‌السلام این تدبیر ارزنده و مؤثر به‌عنوان یک نهاد رسمی و سازمان‌یافته، از برجستگی‌های ویژه‌ای برخوردار شد و غالب نقاط شیعه‌نشین آن زمان در عالم اسلامی را زیر پوشش قرار داد. دستورالعمل‌های امام هادی علیه‌السلام به وکلا، حاکی از وجود سامانه و نظمی قابل تحسین در «سازمان وکالت» در این دوره است.

گرچه یکی از اقدامات «شبکه وکالت» فعالیت‌های اطلاعاتی و حفاظتی بوده است؛ ولی این شبکه به لحاظ نوع ساختار، شرح وظایف، مسئولیت‌های منحصر به خود و همچنین تشکیل آن در شرایط اختناق سیاسی و امنیتی، می‌تواند از ویژگی‌های یک سازمان اطلاعاتی برخوردار باشد.

ساختار یک سازمان، مشخص می‌کند که وظایف چگونه تخصیص داده شوند. چه شخصی به چه کسی گزارش دهد و سازوکارهای هماهنگی رسمی و همچنین الگوهای تعاملی سازمان که باید رعایت شوند، کدامند (رابینز، ۱۳۸۷، ۲۲) سازمان مورد بحث ما نیز دارای یک ساختار تشکیلاتی بوده که جایگاه هر یک از اعضا و سلسله مراتب اختیارات آن‌ها و همچنین نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر را مشخص می‌کرد. روشن است که هر سازمان در ابتدا شکل ساده‌ای دارد و با طی مراحل تکاملی به ساختار اصلی خود می‌رسد. هر سازمان ابتدا به صورت خطی شروع به شکل‌گیری می‌کند سپس با رشد و تکامل به یک ساختار هرمی شکل تبدیل می‌شود که دارای سلسله مراتب خاص خود است.

مسئله دیگر، حیطة نظارت یا سطحی است که رهبر سازمان بر آن نظارت دارد.

هر چه حیطة نظارت رهبران محدودتر و کوچک‌تر باشد، ساختار آن بلندتر می‌شود (همان، ۸۵) و هر چه حیطة نظارت بزرگ‌تر باشد، ساختار کوتاه‌تر می‌شود (رضایان، ۱۳۸۷، ۲۹۱) این محور نیز با اصل نظارت مستقیم امام در «سازمان وکالت» در ارتباط است.

هم‌چنین، هر سازمانی برای رسیدن به اهداف خود نیازمند فعالیت‌های اجرایی است. نوع و ماهیت این فعالیت‌ها، وظایف آن سازمان را مشخص می‌کند. هر سازمان نقش‌هایی به عهده می‌گیرد که سبب شکل‌گیری فعالیت‌های آن در جهت اهداف می‌شود.

سازمان^۱ در لغت به معنای «تشکیلات» است. (دهخدا، ۱۳۴۵، ج ۲۸: ۹۹) در اصطلاح، سازمان پدیده‌ای اجتماعی است که به طور آگاهانه، هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخصی است و برای تحقق هدف یا اهدافی بر اساس یک سلسله مبنای دائمی فعالیت می‌کند. (رابینز، پیشین، ۲۱) با دقت در این تعریف مشخص می‌شود خصوصیات پنج‌گانه سازمان عبارتند از: پدیده‌ی اجتماعی بودن، هماهنگی آگاهانه (مدیریت)، داشتن مرز مشخص، تلاش برای تحقق هدف یا اهداف مشترک و نیز داشتن اصول دائمی. پنج خصوصیت مذکور در سازمان مورد بحث ما وجود دارد. این سازمان متشکل از افراد انسانی است که با هم در تعامل بوده‌اند (پدیده اجتماعی). هم‌چنین، هر کدام دارای اهداف معینی بوده، از اصول مشخصی پیروی می‌کرده و با دیگران مرزبندی داشته و نیز رهبری در رأس آن‌ها بوده است (هماهنگی آگاهانه) که برنامه‌های سازمان را هماهنگ می‌کرده است؛ بنابراین به دلیل این که خصوصیات یک سازمان، بر این مفهوم منطبق است، در این متن از اصطلاح امروزی «سازمان» برای آن‌ها استفاده کرده‌ایم.

۳-۲- ساختار تشکیلاتی و شرح وظایف

شرایط سخت سیاسی حاکم بر عصر حیات «سازمان وکالت»، راهی جز روی آوردی رهبری و اعضای این سازمان به فعالیت‌های مخفی و زیرزمینی در پیش روی آنان قرار نمی‌داد؛ به نحوی که به نظر می‌رسد عنوان «سازمان مخفی و زیرزمینی وکالت» و به عبارتی «التنظیم السری» که برخی محققان آن را پیشنهاد داده‌اند.^۲ (جباری، ج ۱: ۶۹ به نقل از نویسنده کتاب) برای این تشکیلات است. روی آوردی به نهان و اصل تقیه، توانست شرایطی را برای رهبری و اعضای این سازمان فراهم کند که در اوج دوران خفقان و اختناق عباسی، تشکیلات وسیع وکالت را با نظم و سامان‌مندی به پیش برند، بدون آنکه دستگاه خلافت عباسی موفق به کوچک‌ترین نفوذی در سازمان شود. (همان: ۲۲۹)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«حدیث معروفی درباره‌ی وفات حضرت هادی علیه‌السلام هست که از عبارت آن معلوم می‌شود که عده‌ی قابل توجهی از شیعیان در سامرا جمع شده بودند؛ به گونه‌ای که دستگاه خلافت هم آن‌ها را

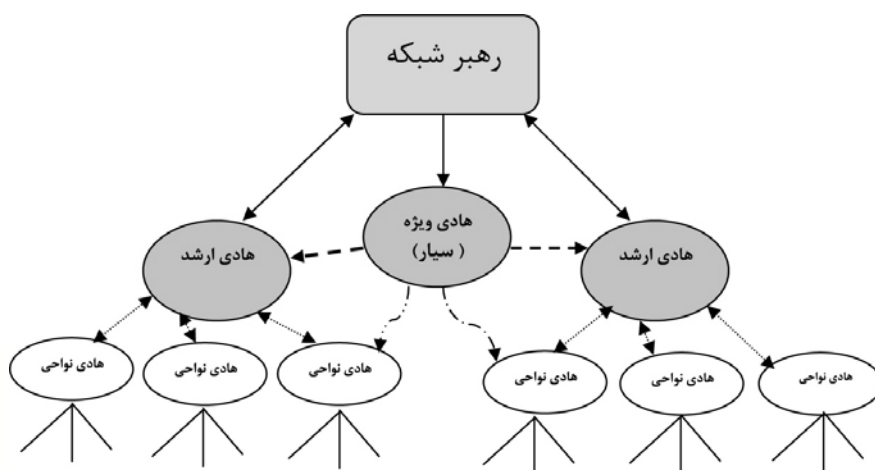
1. Organization

۱- این عنوان را دکتر جواد علی به کار برده است؛ ر. ک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ()، ص ۱۳۴ و ۱۵۶.

نمی‌شناخت؛ چون اگر می‌شناخت، همه‌شان را تار و مار می‌کرد؛ اما این عده چون شبکه‌ی قوی‌ای به وجود آورده بودند، دستگاه خلافت نمی‌توانست به آن‌ها دسترسی پیدا کند.» (خامنه‌ای: ۱۳۸۳)

ساختار اطلاعاتی و اهم وظایف

سازمان وکالت به لحاظ نحوه ارتباطات و جمع‌آوری اطلاعات از ساختار ذیل تشکیل شده بود.



نمودار شماره ۱: نمایی از ساختار شبکه منابع پنهان سامانه اطلاعاتی امام هادی علیه‌السلام

بررسی‌ها نشان می‌دهد که برخی از منابع به طور مستقیم گزارش خود را به امام می‌دادند و برخی دیگر مستقیماً به امام دسترسی نداشتند و به دستور ایشان گزارش‌ها را به افرادی می‌دادند که آن حضرت مشخص کرده بود.

«سازمان وکالت» با ایجاد شبکه‌ی ارتباطی مطمئن؛ همچون رگ‌های بدن، تمامی قسمت‌های تحت پوشش این سازمان را با قلب سازمان، یعنی رهبری، و نقاط دیگر مرتبط می‌ساخت و از طرق ارتباطی قابل اعتمادی برخوردار بود.

تعدادی پیک همواره بین وکلا و مرکز استقرار امام در رفت و آمد بودند. وکلا از افراد عادی و بازرگانان با مرکز رهبری سازمان ارتباط برقرار می‌کردند. گاه با سفر به محل امام یا وکیل ارشد او و گاهی ارتباط با وکلای سیار تبادل اطلاعات صورت می‌گرفت. (شیخ طوسی، پیشین، ۲۹۵-۲۹۶)

ایجاد ارتباط بین شیعیان و امام علیه‌السلام، از مهم‌ترین اهداف و آثار تشکیل این سازمان بود. (شیخ طوسی، ۳۰۶) از دیگر کارکردهای اعضای "سازمان وکالت" می‌توان به نقش ارشادی در مقابله با بحران‌های اعتقادی و فکری (شیخ طوسی، ۳۸۸) نقش سیاسی و مبارزاتی (حسین، ۱۳۶۷، ش، ۱۳۹) و نقش تمهیدی برای ورود شیعیان به عصر غیبت (جباری، پیشین، ۳۳۲) اشاره کرد.

برخی از وکلای امامی به ایفای نقش علمی و تعلیم شیعیان نیز می‌پرداختند. این وکلا به حل مشکلات علمی و پاسخ‌گویی به شبهات و دفاع از اهل بیت علیه‌السلام مبادرت می‌کردند. (صدر، ۱۳۶۲، ش، ۴۸۳) یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به نام ابوحنیفه سابق‌الحاج با دامادش در مورد ارث اختلاف پیدا کرده بود. مفضل بن عمر جعفی با پرداخت چهارصد درهم به آنان، مسئله را حل کرد. سپس به آنان گفت: این مال شخصی من نیست. امام علیه‌السلام به من دستور داده است هرگاه دو نفر از اصحاب در امری اختلاف کردند، بین آن‌ها صلح برقرار کن و مالم را در این راه بده. (کلینی، ۱۳۶۲، ش، ج ۲، ۲۰۹)

ارشاد مبتنی بر هدایت

شیعیان در برهه‌های مختلف زمانی با بحران‌های گوناگونی روبرو بودند که «سازمان وکالت» وظیفه مقابله با آن‌ها را بر عهده داشته است؛ نظیر ارشاد شیعیان و مبارزه با غلات و منحرفان نیز از وظایف این سازمان بود که توسط چنین افرادی انجام می‌شد. مناقشه در فضل حضرت زهرا(س) و جواب حسین بن روح به آن، نمونه‌ای دیگر از این عملکرد است. (شیخ طوسی، ۳۸۸)

نحوه ارتباطات

در بُعد نوع ارتباط نیز با بررسی نمونه‌های تاریخی و روایی به چهار نحوه ارتباط عمده در «سازمان وکالت» می‌توان اشاره کرد: ارتباط حضوری و مشافهه‌ای، ارتباط کتبی، ارتباط از طریق ارسال پیک و فرستاده، و ارتباط از طرق خارق عادت. (جباری، ج ۱، ۱۷۶)

یکی از راه‌های مهم ارتباطی وکلا با امام هادی علیه‌السلام نامه‌نگاری بود که آن را به دست افراد مطمئنی که برای زیارت امام حسین علیه‌السلام به عراق می‌آمدند، می‌سپاردند. (حسین، ۱۳۷) «احمد بن اسحاق قمی» یکی از وکلا قم است که شواهدی دال بر سفرهای مکرر وی از قم به سامرا در طول عصر امام هادی علیه‌السلام تا عصر سفیر دوم، به قصد دیدار ائمه علیهم‌السلام و سفرای امام عصر علیه‌السلام در دست است؛ به نحوی که سرانجام در مسیر بازگشت از یکی از این سفرها به قم بود که

در منطقه‌ی حلوان درگذشت. (کشی، ۵۵۷، ح ۱۰۵۲ و مجلسی، ج ۵۱، ۳۰۶، ح ۲۱)

گزینش کارآمد و تربیت اطلاعاتی

اولین و مهم‌ترین گام، در سازمان اطلاعاتی وکالت، گزینش دستیاران اصلی در اداره این سازمان بوده است. فعالیت در این سازمان مستلزم کسب شرایط ویژه‌ای بوده است. برخی از این ویژگی‌ها که در سطوح عالی می‌توان به آن اشاره کرد عبارت است از: قرب به معصوم و علم به اسرار و جایگاه رفیع معنوی و معرفتی او، اوج کتمان و تقیه، عدالت و وثاقت، رازداری و نهران‌کاری، شناخت نسبی از معارف دینی (شیخ طوسی، ص ۲۱۵) مطیع و مطاع بودن (همان) نظم، دقت، کاردانی و احتیاط^۱ (کشی، ۵۱۴، ح ۹۹۲) از ویژگی‌های انتخاب وکلا می‌توان این نتیجه را حاصل نمود که امام علیه‌السلام به انگیزه عقیدتی، یا آرمانی، بر پایه اعتقادات و آرمان‌های مشترک توجه و اهمیت خاصی قائل بودند. (موارد هر کدام یک مورد عیناً ذکر شود)

عثمان بن سعید در سن جوانی و در حالی که یازده سال از عمرش می‌گذشت، افتخار شاگردی امام را پیدا نمود. امام هادی علیه‌السلام در مورد او به احمد بن اسحاق قمی فرمود: عثمان بن سعید، ثقه و امین من است، هر چه به شما بگوید از سوی من گفته و هر چه به شما القا کند از ناحیه من القا کرده است. (شیخ طوسی، ۲۱۵) عبدالعظیم حسنی که نسب شریفش با چهار واسطه به امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌رسد، از یاران امام هادی و امام عسگری علیه‌السلام است. عبدالعظیم، مردی پارسا، وارسته، دانشمند، فقیه و مورد اعتماد و وثوق امام دهم بود.

هدایت اطلاعاتی

هدایت، مجموعه‌ای از اقدامات راهنمایی کننده و رهبری برای رسیدن به اهداف است. گام بعدی اقدام امام هادی علیه‌السلام، هدایت شبکه اطلاعاتی اعم از واپایش، نظارت، مراقبت منابع در راستای رشد و تعالی فعالیت آنان در جهت سالم سازی امور، کشف اشکالات، معایب و نواقص کار با پیگیری مواردی از قبیل نحوه ارتباط گیری، گزارش دهی، میزان رعایت حفاظت، تغییرات در انگیزه، دسترسی و توانایی عوامل بوده است.

امام هادی علیه‌السلام به حکم رهبریشان بر سازمان، کار تبیین وظایف و نظارت بر عملکرد وکلا و ابواب و سفرا را به عهده داشتند. پس از تعیین و نصب وکلا، در دستورالعملی که به آنان داده می‌شد، ناحیه

۱- ر.ک. جباری، محمدرضا، (۱۳۸۲ش) سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ج ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مأموریت ایشان تعیین و حدود وظایفشان نیز تبیین می‌گشت. پس از عزمیت و کلا به منطقه مأموریت نیز نمایندگان سیاری به وسیله امام نسبت به نحوه پیشرفت کار ایشان نظارت کرده و ایشان را از مشکلات احتمالی و مسائل موجود مطلع می‌ساختند و در صورت وجود خلل و لغزشی در کار و کلا، دستورالعمل‌های ارشادی یا توییحی امام به آنان واصل می‌شد. نظارت امام بر کار و کلا و ابواب آن‌چنان دقیق بود که دورترین نقاط در قلمرو "سازمان وکالت نیز از چشم رهبری آن پنهان نمانده و تدبیر لازم نسبت به این مناطق در صورت لزوم انجام می‌گرفت. امام هادی علیه‌السلام به نصب نمایندگان شایسته و تقویت شبکه ارتباطی خود با تمام پیروانش در تمام نقاط ممالک اسلامی، اهتمام ویژه داشت... (جباری، ج: ۱، ۲۰۳)

نمونه ۱: نامه امام هادی علیه‌السلام به مناسبت نصب «ابو علی بن راشد» به جای «علی بن حسین بن عبد ربّه» (گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۸: ۲۲۲-۲۲۳)

نمونه ۲: جریان درگیری «علی بن جعفر همانی» با «فارس بن حاتم قزوینی». (کشی، ۵۲۷، ح ۱۰۰۹ و ۵۲۳، ح ۱۰۰۵)

مدیریت اطلاعاتی

از دستورالعمل‌های مدیریتی امام علیه‌السلام در رهبری سازمان وکالت، اصل بنیادین حفاظت اطلاعات در شبکه‌های ارتباطی کاملاً مشهود است.

- یک: از وکلا می‌خواست تا هر یک در محدوده منطقه خویش عمل و از گرفتن اخذ وجوه از دیگر مناطق خودداری کنند.
- دو: از برخی نمایندگان خواست تا رابطه‌شان را با دیگر وکلا کاهش دهند.
- سه: پرداخت وجوه به نمایندگان تعیین شده.
- چهار: مراجعه به وکلا برای انجام کارهای شرعی حضوراً یا به وسیله مکاتبه. (ر. ک: حیا الامام الهادی، ۱۴۱).
- حضرت امام هادی علیه‌السلام برای ساماندهی و لا هر از گاهی عزل و نصب‌هایی انجام می‌دادند و در دستورالعمل‌های خود به راهنمایی آنان می‌پرداختند که همه این موارد حاکی از اصل بنیادین حفاظت اطلاعات در شبکه‌های ارتباطی و به نوعی مدیریت و رهبری سازمان اطلاعاتی است. (دو مورد آورده شود) از آن جمله است ابو علی بن راشد به محمد بن عیسی گفت حضرت ابوالحسن عسکری برای دوستان و ارادتمندان خویش در بغداد و مدائن و سواد و اطراف آن نوشت: من ابو علی بن راشد را به جای علی بن حسین بن عبد ربّه و سایر وکلای خودم معین نمودم. پیروی از او اطاعت از من است و مخالفت با او مخالفت با من. این نامه را به خط خود نوشته‌ام. (بحار الأنوار ج ۵۰ ص ۲۲۰ باب ۵)

نظم اطلاعاتی

تأکید امام هادی علیه‌السلام بر حفظ نظم و عدم هرج و مرج در امور سازمان و همین‌طور تقلیل مراجعات مستقیم و کلاً به نزد امام علیه‌السلام و تأکید بر ارتباطات کتبی، همه برای انصراف توجه حکومت عباسی از فعالیت‌های "سازمان وکالت، برنامه‌ریزی شده بود.

واپایش و نظارت

در درگیری بین دو تن از وکلای سرشناس امام هادی علیه‌السلام در سامراً نیز، نقش نظارتی و مدیریتی حضرت موجب شد "سازمان وکالت از پیامدهای خطرناک اختلاف دو وکیل برجسته محفوظ بماند. نمونه ۳: تمجید امام هادی علیه‌السلام از «ایوب بن نوح» وکیل مبرز ایشان در کوفه است (شیخ طوسی، ص ۲۱۲).

بنابراین انتخاب وکلاً به طور مستقیم زیر نظر امام انجام می‌شد و امام علیه‌السلام بر فعالیت آنان نظارت می‌کرد.

با توجه به هدایت شبکه پنهان وکالت، می‌توان موارد ذیل را به عنوان برخی اصول و مقررات هدایت عوامل اطلاعاتی استخراج نمود.

- انتخاب رهبر عملیات با تجربه و کاردان
- وفاداری بدون قید و شرط عامل به سازمان
- توجه به نگرانی‌ها و وضعیت روحی خاص عامل
- حیطة‌بندی کامل
- واپایش نحوه فعالیت عامل
- مقابله با اقدامات واپایشی حریف
- رعایت کلیه اصول

نفوذ معنوی

از ویژگی برجسته شبکه اطلاعاتی امام می‌توان به نفوذ معنوی ایشان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری تشکیلات حریف (سطح وزرا، فرماندهان و نزدیکان) اشاره کرد که نتیجه آن القاء نظرات و دیدگاه‌ها و تأثیر گذاری بر وضعیت تشکیلات حریف بوده است.

مصادیق بسیاری از نفوذ معنوی امام هادی علیه‌السلام در حاکم وقت و کارگزاران وی (مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۳) (گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۳۲) نفوذ امام در سطوح فرماندهان (مروج الذهب، ج ۲، ۵۶۴ - ۵۶۵). از جمله رفتار مهربانانه‌ی امام با «یحیی بن هرثمه» و تحت تأثیر قرار دادن ایشان و تشویق و ترغیب بها. (مفید، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ۴۳۸). (سبط ابن الجوزی، بی‌تا، ۳۶۰: مروج الذهب، ج ۲، ۵۷۳) وجود دارد.

محمد بن یعقوب در حدیثی از علی بن یقطین روایت می‌کند: «حضرت ابوالحسن علی علیه‌السلام به من فرمود: خداوند عزیز و جلیل در دستگاه‌های حکومتی (حاکمان تجاوزگر) دوستانی دارد تا به وسیله آن‌ها از دوستانش دستگیری کرده و آن‌ها را کمک و یاری کنند.» (فروغ کافی، ج ۵: ۱۱۲)

فرصت‌جویی هوشمندانه

وقتی که نامه امام هادی علیه‌السلام به محمد بن علی بن عیسی رسید، با عجله نامه‌ای به خدمت امام نوشت و عرضه داشت که:

اعتقاد من درباره ورود به کار ایشان (در کار بنی‌عباس) یافتن راهی است برای ایجاد دشواری به دشمنان آن حضرت و باز شدن دست، جهت انتقام گرفتن از ایشان به وسیله تقرب به آن‌ها. امام علیه‌السلام در پاسخ نوشت: «هر کس چنین کاری را بکند نه تنها کار او حرام نیست، بلکه دارای اجر و ثواب است.» [وسائل الشیعه: ۱۳۷/۱۲].

رفتار مهربانانه‌ی امام با «یحیی بن هرثمه» فرمانده اعزامی متوکل برای تبعید امام به سامرا و تغییر رویه او و شیفتگی‌اش نسبت به امام نیز اهمیت فراوان دارد. امام در سال ۲۴۳ ه. ق از مدینه به سامرا تبعید شد. (مفید، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ۴۳۸).

اقدام عملیاتی و برخورد قاطع با متخلفان

هر تشکیلات، نهاد و یا سازمان هدف‌داری ممکن است مانند سایر پدیده‌ها دچار آفت‌زدگی شود؛ همان‌طور که نهضت‌ها و انقلاب‌ها هم ممکن است به این بلا گرفتار آیند اما وظیفه رهبران و مدیران است که دائم مراقب باشند و با به‌کارگیری ابزار و قوه اندیشه، تمهیدات لازم به منظور جلوگیری از نفوذ و رشد آفات احتمالی را به عمل آورند. قوام و بقاء یک تشکیلات یا یک نهضت، به دقت مسئولان و مدیران در آفت‌شناسی و آفت‌زدایی بستگی دارد. (شهید مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر) یکی از موضوعاتی که در عصر امامت امام هادی علیه‌السلام جنبه اطلاعاتی و عملیاتی داشته، اقدام پنهانی و

محتاطانه امام در برخورد با فارس بن حاتم - به خاطر انحراف و خیانت - بوده است. برای اینکه درکی از رفتار اطلاعاتی امام هادی علیه‌السلام در موضوع پیگیری و اقدام عملیاتی داشته باشیم لازم است به موارد برخورد امام با فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی به خاطر انحراف و خیانت در سازمان و کالت داشته باشیم.

امامان شیعه علیهم‌السلام در تعیین و نصب وکلا، شرایطی را که قبلاً ذکر شد (به خصوص وثاقت و عدالت) در نظر می‌گرفتند و با عنایت به آن‌ها اقدام به تعیین و معرفی وکلای خود می‌نمودند. با این همه، چنانکه لازمه طبع ذلت‌پذیر بشری است، برخی از این وکلا، در صحنه امتحانات الهی شکست خورده و راه خیانت و انحراف پیشه ساختند. برخی از آنان، گاه آن‌چنان بر انحراف و فساد خود اصرار می‌ورزیدند که مشمول لعن و نفرین ائمه بزرگوار علیهم‌السلام می‌گردیدند!

نکته مهم در این بررسی، توجه به انگیزه‌ها و علل بروز این انحرافات و خیانت‌ها است. تردیدی نیست که ریشه اصلی این امر، فقدان نفس سلیم و عدم تهذیب نفس است. اگر نفس تزکیه نشده باشد، با تحقق شرایط مساعد، صفات رذیله آن بروز کرده و ضربه اصلی را بر صاحب خود وارد می‌سازد! با صرف‌نظر از این ریشه اصلی انحرافات وکلا، عواملی را می‌توان به عنوان عوامل عینیّت‌بخش انحراف و خیانت و فساد در وکلای ائمه علیهم‌السلام برشمرد، مواردی از قبیل دنیاطلبی و مال‌دوستی، انحرافات فکری و اعتقادی، حسادت نسبت به همگنان، وابستگی به دربار عباسی و فساد اخلاقی.

«فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی» وکیل برجسته امام هادی علیه‌السلام و رابط بین «سازمان وکالت و شیعیان مناطق جبال در ایران بود و در سامراً فعالیت می‌کرد، در سال‌های پایانی دوره امامت امام هادی علیه‌السلام، اندکی پیش از سال ۲۴۸ ق (کشی، ۵۲۷، ح ۱۰۰۹). با یکی دیگر از برجسته‌ترین وکلای حضرت در این منطقه، یعنی «علی بن جعفر همانی» درگیر شد. کار این درگیری سرانجام بالا گرفت و به دشنام‌گویی و مشاجره‌ای سخت انجامید. این امر به نوبه خود، موجب ایجاد تنش‌ها و دلسردی و ناراحتی در جامعه شیعه شد. (همان، ۵۲۳، ح ۱۰۰۵ و ۵۲۷، ح ۱۰۰۹). برخی از شیعیان، به همین سبب از پرداخت وجوه شرعی به پیشگاه امامت موقتاً خودداری می‌کردند. (همان) علاوه بر این، وکلای مناطق مختلف که تاکنون مبالغ جمع شده را از طریق یکی از این دو تن به حضور امام ارسال می‌کردند، اکنون نمی‌دانستند چه کنند. وکیل همدان به امام هادی علیه‌السلام در این باره نامه‌ای نوشت (کشی، ۵۲۳، ح ۱۰۰۵، ۵۲۷) امام علیه‌السلام در این مسئله جانب «علی بن جعفر همانی» را گرفته و از وکلای خود در مناطق مختلف خواستند که برای ارتباطات خود با ایشان و ارسال وجوه شرعی از کانال «فارس بن حاتم» استفاده نکنند. در عین حال، در

همان دستورالعمل با روشن‌بینی آشکار به وکلای خود دستور دادند که فرمان ایشان را محرمانه نگاه داشته و از تحریک فارس خودداری کنند. راز این دستور امام آن بود که فارس مردی متنفذ و کانال ارتباطی اصلی میان امام و شیعیان مناطق جبال (بخش مرکزی و غربی ایران) بود که وجوه شرعی خود را معمولاً به واسطه‌ی او برای امام می‌فرستادند. (همان، ۵۲۶، ح ۱۰۰۸). پس از این جریان فارس برخلاف دستور امام، همچنان به دریافت وجوه شرعی از آن مناطق ادامه می‌داد. تنها فرقی که پیدا شده بود این بود که دیگر آن‌ها را خدمت امام علیه‌السلام نمی‌فرستاد. اندکی بعد، امام علیه‌السلام تصمیم گرفتند که دستور خود را رسماً به اطلاع پیروان خود برسانند و از وکلای خود بخواهند که صریحاً به شیعیان اعلام کنند که فارس وکیل ایشان نیست و کسی نباید وجوه شرعی مربوط به امام را در اختیار او قرار دهد. (همان) سرانجام امام علیه‌السلام با صدور دو مکتوب، که یکی از آن دو، تاریخ سه‌شنبه ۹ ربیع‌الاول سال ۲۵۰ ق دارد (این نامه خطاب به علی بن عمر قزوینی نوشته شده) شیخ طوسی، ۲۱۳ که ظاهراً همان علی بن عمرو قزوینی عطار است که کشی (ص ۵۲۶، ح ۱۰۰۸) ماجرای آمدن او را از قزوین به سامرا نقل می‌کند. وی برای تحویل مقداری وجوه شرعی به فارس آمده بود ولی با تدبیر عثمان بن سعید عمری از وضعیت فارس مطلع و وجوه مزبور را به عثمان بن سعید تحویل داد (جباری، ج ۱: ۱۹۱) و فارس را لعن و از وکالت عزل کردند. از این به بعد، فارس علناً شروع به مبارزه علیه امام کرد. منابع موجود چیزی از جزئیات کارها و اقدامات او به دست نمی‌دهند، جز آنکه او به فساد انگیزی پرداخته و شیعیان را به بدعت فرا می‌خوانده و می‌کوشیده است آنان را دور خود جمع کند. (کشی، ۵۲۴، ح ۱۰۰۶). در پیام امام به یکی از پیروانشان که آن هنگام از مناطق مرکزی ایران به سامرا آمده بود، ذکر شده که فارس «سخنی پلید» گفته بود. (همان، ۵۲۷، ح ۱۰۰۹).

شناخت محیط و آینده نگری

امام هادی علیه‌السلام در ابتدای امر، در مواجهه با انحراف و افساد «فارس بن حاتم» محتاطانه گام برمی‌داشت و از اینکه برخورد با وی موجب پیدایش فتنه‌ای عمومی در جامعه شیعه شود، ابا داشتند. مهم‌ترین دلیل این امر، می‌توانست این باشد که هر برخورد حساب نشده با فردی منحرف و فاسد؛ همچون «فارس» - که دارای جایگاهی ممتاز در جامعه شیعه بود- قبل از آنکه چهره اش برای شیعیان روشن شود، ممکن بود موجب بروز تنش‌های بیشتر می‌شد! علاوه بر آن، نمی‌بایست خطر بنی عباس و تحریک آنان علیه امام علیه‌السلام و شیعیان، به وسیله «فارس بن حاتم» یا در اثر برخورد امام و شیعیان با او را از نظر دور داشت. در راستای اقدامات پنهانی و محتاطانه امام علیه‌السلام و کارگزاران «سازمان وکالت علیه «فارس بن

حاتم»، شیعیانی که نادانسته همچنان اموال و وجوه شرعی را در سامرآ به «فارس» تحویل می‌دادند، شناسایی می‌گردیدند و با ایجاد ارتباط مخفی توسط وکلای امام علیه‌السلام با آنان، حقیقت جریان «فارس» برای ایشان معلوم می‌شد. یکی از این شیعیان، «علی بن عمرو عطار» است که به احتمال، از وکلای امام علیه‌السلام در ناحیه قزوین بوده است. (جباری، ج ۲: ۶۵۳)

ملاحظات امنیتی حاکی از بصیرت اطلاعاتی

از مجموع برخوردهای امام هادی علیه‌السلام با فارس بن حاتم قزوینی، می‌توان نکاتی کلیدی را در بحث شیوه برخورد ائمه علیهم‌السلام با خائنین از وکلا و نمایندگانشان استنتاج نمود. برخی از این نکات عبارتند از:

- ۱- در مواردی این چنین حادّ و خطرناک، امامان شیعه علیهم‌السلام در برخورد با عوامل خیانت و فساد به صورت گام به گام و مرحله به مرحله برخورد کرده و با رعایت مصالح برتر، از دامن زدن به بحران امتناع می‌کردند. از این رو ابتدا خبر لعن و عزل و طرد فارس نزد خواصّ از شیعیان اعلام و زمانی که خود فارس پرده‌داری را به نهایت رساند، لعن وی به صورت عمومی اعلام شد.
- ۲- درک حساسیت موارد و شدت خطر بعضی از عوامل خیانت و فساد همچون فارس بن حاتم از ویژگی‌های رهبری معصوم «سازمان وکالت است». (جباری، ج ۱: ۱۹۳)

فریب اطلاعاتی

به امام هادی علیه‌السلام نوشتم و از او اجازه خواستم در نیرنگ دشمنی که فرییش ممکن نبود، امام علیه‌السلام مرا از آن بازداشت و سخنی فرمود که معنایش این بود «تو خود از پس او برمی‌آیی؛ سوگند به خدا! به بهترین صورت از پس او برآمدم، او خوار و فقیر شد و در بدترین حالت دینی و دنیوی از دنیا رفت.» (گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۸۸: ۲۳۶)

ملاحظات حفاظتی

فعالیت «سازمان وکالت» با حساس‌ترین دوره‌های حاکمیت عباسی و وجود تضییق‌های شدید علیه شیعیان و امام همراه بود. با وجود واپایش‌های شدید خلفای عباسی، امام هادی علیه‌السلام همواره مسائل سیاسی و امنیتی را رعایت می‌کردند و رفتارهای حفاظتی؛ همچون کتمان و توصیه اکید به تقیه، رازداری،

حیطه‌بندی، طبقه‌بندی اطلاعات، آگاه‌سازی شیعیان، حفاظت گفتار، اسناد و ارتباطات... و نیز رعایت اصول حفاظتی (اصل پوشش، عادی‌سازی، استتار، اختفاء و ...) را سرلوحه اقدامات خود قرار داده بودند.

در واقع امام هادی علیه‌السلام و اعضای سازمان وکالت در بهره‌گیری از اصل نهان‌کاری و تقیه، بسته به شرایط، اسلوب‌های مختلفی را اعمال می‌کردند که عبارتند از: سوق دادن فعالیت سازمان به سمت متمرکز شدن در افرادی محدود؛ همچون وکلای ارشد و یا باب‌ها، عدم تماس مستقیم رهبری با اعضای سازمان، استفاده از ابزار ارتباطی مطمئن همچون مراسم حج، منع موقت وکلا از هرگونه فعالیت مرتبط با کار سازمان تا زمان رفع خطر، بهره‌گیری از افراد ناشناس و غیر مرتبط به سازمان برای ایجاد ارتباط با مرکز در حالی که خود فرستاده و پیک نیز از ماهیت مأموریتش با اطلاع نبود و موارد دیگر. روی آوری به نهان‌کاری و اصل تقیه، توانست شرایطی را برای رهبری و اعضای این سازمان فراهم کند که در اوج دوران خفقان و اختناق عباسی، تشکیلات وسیع وکالت را با نظم و سامان‌مندی - بدون آنکه دستگاه خلافت عباسی موفق به کوچک‌ترین نفوذی در سازمان شود - پیش برند.

تقیه

به امام هادی علیه‌السلام عرض شد: کامل‌ترین مردم کیست؟ پاسخ داد: کسی که تقیه را بیشتر عمل کند و کسی که حقوق برادران خود را بهتر ادا کند... تا اینکه فرمود: خداوند می‌فرماید: **وَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** خداوند نسبت به بندگان مؤمن خود یعنی شیعیان آل محمد، رحیم و مهربان است. [به همین دلیل] به آنان اجازه تقیه داده است تا در صورت توان و امکان، دوستی با اولیای الهی و دشمنی با دشمنان خدا را آشکار کنند و در صورت ناتوانی و عدم امکان، آن را پنهان سازند. (وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۲۴ باب ۲۸)

«صقر بن ابی دلف کرخی» در این زمینه می‌گوید: «وقتی متوکل، امام هادی علیه‌السلام را به سامرا تبعید کرد، من بدان جا رفتم تا از وضعیت پیشوای خود آگاهی یابم. هنگامی که وارد شدم «زرافی» دربان متوکل از من پرسید: چه خبر ای صقر؟ گفتم: خیر و سلامتی. گفت: بنشین و برایم از گذشته و آینده بگو. با خود گفتم: عجب اشتباهی کردم که آمدم. پرسید: برای چه آمده‌ای؟ گفتم: برای امر خیری آمده‌ام. گفت: شاید برای جویا شدن از احوال مولایت آمده‌ای؟ گفتم: مولایم کیست؟ مولای من امیرالمؤمنین (متوکل) است. گفت: بس کن! مولای حقیقی‌ات را می‌گویم. لازم نیست عقیده‌ات را از من مخفی داری؛ (زیرا من با تو، هم عقیده‌ام). گفتم: خدای را سپاس. گفت: آیا می‌خواهی او را ببینی؟ گفتم: بله می‌خواهم. آن گاه پس از خارج شدن پیک حکومتی، نزد امام رفتیم... (مجلسی، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۵۰، ۱۹۴).

روایت اشاره شده، مؤید استفاده یاران امام هادی علیه‌السلام از اصل تقیه در برخورد با دشمن است.

حفاظت ارتباطات

امام هادی علیه‌السلام نام مخاطبان نامه‌های خود را به صورت رمزی می‌نوشت تا چنانچه نامه به دست دشمن افتاد، دوستان آن حضرت شناسایی نشوند. (منه‌اج التحرك، ص ۹۰؛ رساله فی آلاعن، ص ۸)
همان‌گونه که یاران امام در نامه‌ها با نام مستعار و رمز از آن حضرت یاد می‌کردند. (مجلسی، ج ۴۸، ۷۸)

استفاده از زبان رمزی

محمد بن عیسی از علی بن مهزیار (ره) چنین روایت می‌کند: «غلام جوان خود را که اهل سقلاب^۱ بود، خدمت امام هادی علیه‌السلام فرستادم. پس از مدتی غلام در حالی که حیران و بهت زده بود نزد من بازگشت. به او گفتم: فرزندم تو را چه شده است که این طور حیران و شگفت زده‌ای؟ او پاسخ داد: چطور شگفت زده نباشم و حال آن که هر بار که با من سخن می‌گفت با زبان (مردم) سقلابی صحبت می‌کرد؛ گویا این که او یکی از مردم ماست! فکر کردم و متوجه شدم که ایشان با این‌گونه سخن گفتن در صدد بوده برخی از غلام‌ها نشنوند که چه سخنانی میان آن‌ها رد و بدل می‌شود. (مجلسی، ج ۲۶ ص ۱۹۱ باب ۱۴)»
در زمان امام هادی علیه‌السلام از اسامی مستعار استفاده شده و در برخی موارد به طور صریح و دستوری به شیعیان دستور داده شده از ذکر نام واقعی پرهیز نمایند. این اقدام به منظور حفاظت از اسرار امامت و حفظ جان امام و نیز مأموران اطلاعاتی امام صورت می‌پذیرفته است.
امام هادی علیه‌السلام دارای القاب فراوانی است. القاب علاوه بر اینکه بیانگر بعضی اوصاف و فضائل اخلاقی و کمالات معنوی آن امام همام است، بیشتر برای ناشناخته ماندن حضرت بوده است. (شیدینی پاشاکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸۷)

حفاظت اسناد

امام هادی علیه‌السلام سفارش‌های مهمی به داوود ضریر فرمود. پس از اتمام سخن برای اطمینان از حسن فراگیری از او پرسید:
چه گفتم؟ او نتوانست آنچه را امام علیه‌السلام به او گفته بود، تکرار کند. حضرت کاغذ و قلمی برداشت

۱- سقلاب، منطقه‌ای نزدیک قسطنطنیه بوده که مردمان آن، به زبان رومی صحبت می‌کرده‌اند.

و نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَكْرُ اَنْشَاءَ اللَّهِ وَ اَلْاَمْرُبِ بِدِكْ كَلُّهُ» واز تدوین سفارش‌های خود امتناع کرد. داوود تبسمی کرده و گفت: جدّ شما حضرت رضا علیه‌السلام نیز همین کار را می‌کرد... امام‌هادی علیه‌السلام فرمود: ای داوود! اگر من به تو بگویم که ترک تقیه (و مراقبت‌های حفاظتی) همانند ترک نماز است، راست گفته‌ام. (تحف العقول، ۵۱۱)

از آنجا که امام‌علیه‌السلام صلاح‌دید نگهداری اسناد را در داوود ضریر ندیدند از تولید سند صرف‌نظر کردند. با توجه به ذیل حدیث که در مورد تقیه است، مشخص می‌شود که مطالبی که امام تأکید دارند در یاد ضریر بماند، نوشتنی نیستند و تنها راه حفظ آن‌ها به خاطر سپردن است. در غیر این صورت امام به جای نوشتن جمله مذکور می‌فرمودند مطالبی که به تو گفتم، بنویس تا فراموش نشود. عدم تولید سند توسط امام‌هادی علیه‌السلام می‌تواند تأکیدی بر یکی از مهم‌ترین اصول آموزش مأموران اطلاعاتی باشد بدین صورت که منابع آموزشی را اصلاً نباید به دست مأمور داد. همچنین این اقدام امام علیه‌السلام می‌تواند دلیلی بر این امر باشد که در هنگام برقراری ارتباط با عوامل اطلاعاتی، اختصارگویی یا اختصار نویسی رعایت شود؛ زیرا گفتگو یا نوشتن به صورت طولانی موجب کشف ارتباط توسط حریف خواهد شد.

ارتباطات پنهان با پوشش اطلاعاتی

«عثمان بن سعید عمری» که جلالت قدر او موجب شد توفیق وکالت و باییت برای سه امام دهم، یازدهم و دوازدهم علیهم‌السلام را بیابد، یکی از نمونه‌های موفق عمل به اصل پنهان کاری و تقیه بود. شیخ طوسی درباره وی می‌گوید: «به وی سمان گفته می‌شود؛ زیرا برای پوشش فعالیت‌هایش (به ظاهر) روغن‌فروشی می‌کرد. شیعیان هنگامی که اموال و وجوه شرعی را برای امام عسکری علیه‌السلام به نزد وی ارسال می‌کردند، آن اموال را به علت ترس و از روی تقیه در ظروف روغن قرار داده و به نزد حضرت می‌برد». (شیخ طوسی، ۲۱۴-۲۱۵)

حفاظت گفتار

محمد بن شرف می‌گوید: «همراه امام‌هادی علیه‌السلام در مدینه راه می‌رفتم. امام علیه‌السلام فرمود: آیا تو پسر شرف هستی؟ عرض کردم: آری. آن گاه خواستم از حضرت پرسشی کنم. امام علیه‌السلام از من پیشی گرفت و فرمود: «نحن علی قارعه الطریق و لیس هذا موضع المساله؛ ما در حال عبور از شاهراه هستیم و این محل برای طرح سؤال مناسب نیست.» (مجلسی، ج ۵۰، ۱۷۶).

امام هادی علیه‌السلام فرموده‌اند: رَاكِبُ الْحَرْوُنِ اَسِيرٌ نَفْسِهِ، وَ الْجَاهِلُ اَسِيرٌ لِسَانِهِ
کسی که بر اسب سرکش هوای نفس سوار است او در حقیقت اسیر نفس اماره خویش است و انسان
نادان نیز در اسارت زبان خویش است. (همان، ج ۷۵، ۳۶۹)

پیشگیری مبتنی بر پیش‌بینی

امام هادی علیه‌السلام آنچنان حساب شده و با دقت، سیاست مبارزه منفی خود را دنبال می‌کرد که نه تنها بهانه‌ای به دست دشمن نداد بلکه به گونه‌ای رفتار کرد که با آن همه ارتباط شیعیان از نقاط دور و نزدیک، دشمن نتوانست مدرکی بیابد که گویای فعالیت‌های سیاسی حضرت باشد.

فعالیت‌های "سازمان وکالت به صورت زیرزمینی و مخفی انجام می‌شد و پنهان‌کاری و نپهان‌گرایی شدیدی بر آن حاکم بود. تأکید امام نیز بر حفظ همین روئیه بوده است. با این وجود، گاهی فعالیت‌های وکلا مورد سوءظن حاکمیت عباسی واقع می‌شد و جان آنان در معرض خطر قرار می‌گرفت و گاه تهاجمی علیه سازمان انجام می‌شد که موجودیت آن را به خطر می‌انداخت. در این مقاطع، شواهد تاریخی حاکی از امدادهای امام برای حفظ امنیت وکلا و دوام فعالیت مخفی سازمان است؛ به علاوه، درایت و توجه امام بسیاری از توطئه‌ها برای کشف فعالیت‌های سازمان را خنثی می‌کرد. با توجه به حساسیت دستگاه خلافت عباسی نسبت به "سازمان وکالت و فعالیت‌های آن، اهتمام امام همواره بر تقلیل این حساسیت و انصراف عیون حکومت از فعالیت وکلا بود.

خود حفاظتی و اخلاق اطلاعاتی

با توجه به ساختار اطلاعاتی امام هادی علیه‌السلام و نحوه انتخاب، ویژگی‌های وکلا و واپایش آنان، سازوکار «اتکاء به انسان‌های خود پایش گر» و «حفاظت درونی و خود پایشی» به سایر حفاظت‌ها بایستی ترجیح داشته باشد. احادیث ذیل، مؤید این مطلب می‌باشند:

امام هادی علیه‌السلام می‌فرمایند: هر کس از خدا بترسد، مردم از او بترسند و هر که خدا را اطاعت کند از او اطاعت کنند و هر که مطیع آفریدگار باشد، باکی از خشم آفریدگان ندارد و هر که خالق را به خشم آورد، باید یقین کند که به خشم مخلوق دچار می‌شود. (تحف العقول، ۵۱۰)

امام هادی علیه‌السلام می‌فرمایند: تکبر و غرور، دشمنی آورد. (مسند الامام الهادی، ۳۰۲)
نیروهای حفاظتی و اطلاعاتی بایستی از تکبر و غرور به شدت پرهیز کنند چرا که طبق فرمایش امام

هادی علیه‌السلام پیامدهای ذیل را در بر دارد:

- شخص را در پستی و نادانی نگه می‌دارد.
- بدگویان او زیاد خواهند شد.
- جذب‌کننده دشمنی و عداوت افراد است.

امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید:

أشکار کردن چیزی که هنوز محکم و استوار نشده موجب تباهی آن می‌شود. (مجلسی، ج ۷: ۷)

امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید:

أذْكَرُ حَسْرَاتِ التَّفْرِيطِ بِأَخْذِ تَقْدِيمِ الْحَزْمِ

بجای حسرت و اندوه برای عدم موفقیت‌های گذشته با گرفتن تصمیم و اراده قوی، جبران کن. (میزان

الحکمه، ج ۷، ۴۵۴) (مسند الامام الهادی، ۳۰۴)

ملاک سوءظن

امام علی نقی الهادی علیه‌السلام فرمودند:

هرگاه زمانی باشد که عدل غلبه کرد بر جور، پس حرام است که گمان بد بری به احدی مگر آنکه علم پیدا کنی به بدی او و هرگاه زمانی باشد که جور غلبه کند بر عدل، پس نیست برای احدی که گمان خوبی برد به احدی تا آنکه ببیند آن را از او. (منتهی الامال، ج ۲: ۴۸۳)

نتیجه‌گیری

دشواری ارتباط مستقیم امام هادی علیه‌السلام و شیعیان، عدم دسترسی به امام به سبب واپایش‌های شدید خلفای عباسی همچنین تبعید، حبس و... موجب آن شده بود امام هادی علیه‌السلام به امر امنیت و حفاظت اطلاعات توجه خاص داشته و از امور مورد اهتمام ایشان فعالیت‌های مخفی، ایجاد تشکیلات پنهانی "سازمان وکالت، رهبری و حفظ امنیت آن با رویکرد قدرت نرم به عبارت دیگر، رفتار و منش اطلاعاتی با هویتی نرم‌افزاری مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها و باورها بوده است.

بنابراین با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی عصر امام هادی علیه‌السلام و نیز راهبردها و روش‌های مورد استفاده ایشان، می‌توان رفتار اطلاعاتی و حفاظتی از سیره امام هادی علیه‌السلام را استخراج نمود.

رفتار حفاظتی شامل:

خود حفاظتی، تقیه، حفاظت ارتباطات، رعایت اصول حفاظتی، برخورد قاطع با متخلفان، ارشاد مبتنی بر هدایت، حفاظت شخصی، حفاظت عملیات، حفاظت معنوی، نظارت و واپایش، بازدارندگی، آمادگی قبل از تهدید، گزینش کارآمد، آگاه‌سازی تربیتی، پیشگیری مبتنی بر پیش‌بینی، حفاظت گفتار و اسرار، حفاظت اسناد

رفتار اطلاعاتی شامل:

تشکیلات اطلاعاتی، هدایت اطلاعاتی، مدیریت اطلاعاتی، بصیرت اطلاعاتی، ارتباطات پنهان، اقدام عملیاتی، نظم اطلاعاتی، فریب اطلاعاتی، آینده نگری، نفوذ معنوی، تمرکز بر دشمن، تحلیل اطلاعاتی، اخلاق اطلاعاتی، فرصت جویی هوشمندانه



نمودار ۲- مؤلفه‌ها و شاخص‌های حفاظتی و اطلاعاتی با الگوگیری از سیره امام هادی علیه‌السلام

کتابنامه

- ابن شهر آشوب مازندرانی، علی، (۱۳۷۹ ش) *مناقب آل ابی‌طالب* (تصحیح و تعلیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه انتشارات علامه)
- اثبات الهداة*، شیخ حر عاملی، ج ۳
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۰ ش) *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ابوالحسن علی بن الحسین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ج ۲
- جباری، محمدرضا، (۱۳۸۲ ش) *سازمان وکالت و نقش آن در عصرنامه* (ج ۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی)
- جباری، محمدرضا، (۱۳۸۲ ش) *سازمان وکالت و نقش آن در عصرنامه* (ج ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی)
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۹ ش) *حیات فکری و سیاسی امامان* (قم: انصاریان)
- حرانی، ابو محمد، حسن بن علی بن حسین بن شعبه (۱۳۸۰ ه. ش) *تحف العقول*، ترجمه بهراد جعفری، تهران، نشر اسلامیه.
- حسین، جاسم محمد، (۱۳۸۵ ه. ش) *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف*، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
- خامنه‌ای، سید علی حسینی، (۱۳۸۳) *سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در سی‌ام مردادماه* - بیانات بعد از مراسم روضه‌خوانی در سالروز شهادت امام علی النقی علیه‌السلام
- خویی سید ابوالقاسم، (۱۴۰۳ ق) *معجم رجال الحدیث فی طبقات الرواه*، منشورات آیه الله الخویی، بیروت، چاپ سوم، ج ۱
- دعמוש‌العاملی، (۱۳۷۹) *دایره‌المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی*، ترجمه غلامحسین باقری مهبیاری و رضا گرمابدری، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه‌السلام. ج اول و سوم
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵ ش)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- دوانی، علی (۱۳۷۸ ه. ش) مقدمه مترجم، در: *مهدی موعود* (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ بیست و هشتم.
- رابینز، استیفن، (۱۳۸۷) *تنوری سازمان: ساختار و طرح سازمانی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن

دانایی فرد، چ ۲۲، تهران: شرقی

رضاییان، علی، (۱۳۸۷) *مبانی سازمان و مدیریت*، چ ۱۱، تهران: سمت

رفیعی علی (۱۳۸۲)، *تاریخ تحلیلی پیشوایان علیهم السلام*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، انتشارات یاقوت.

سبط ابن الجوزی، (بی تا) *تذکره الخواص*، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، مروج الذهب، ج ۲
شیدینی پاشاکی محمد، عالی نژاد صمد، حسینی، غلامعباس (۱۳۹۱) *سیره حفاظتی و اطلاعاتی امامان معصوم علیهم السلام*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات زمزم هدایت.

شریف قرشی باقر (۱۴۰۸ ق)، *حیاه الامام علی الهادی علیه السلام*، بیروت، دار الاضواء، چاپ اول
شیخ حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق) *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث
شیخ صدوق، التوحید، تهران، *مکتبه الصدوق*، ۱۳۷۸ ه. ق، باب تجسیم و صوره
شیخ صدوق، محمدبن علی بین حسین بن بابویه، (۱۳۹۵ ق) *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، چ ۲، قم: دارالکتب-الاسلامیه

شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۷ ق) *کتاب‌الغیبه، الطبعه‌الثانیه*، قم: مؤسسه‌المعارف‌الاسلامیه
صدر، سیدمحمد، (۱۳۶۲ ش) *تاریخ‌الغیبه‌الصغری*، اصفهان: مکتبه‌الامام امیرالمؤمنین علی
طبری. محمد بن جریر، (۱۳۷۵ ه. ش) *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم.

العاملی، محمد بن الحسن، (بی تا) *وسایل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۲
قمی، حسن بن محمدبن حسن، (۱۳۶۱ ش) *تاریخ قم*، تحقیق سیدجلال‌الدین تهرانی، تهران، توس
قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۰ ه. ش) *منتهی‌الامال*، قم، انتشارات هجرت، چاپ چهاردهم.
کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸ ه. ش) *رجال‌الکشی* (اختیار معرفه الرجال)، مشهد، دانشگاه مشهد.
کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، چ ۲، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، (۱۳۸۸ ه. ش) *فرهنگ جامع سخنان امام هادی علیه‌السلام*، ترجمه علی مؤیدی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

مامقانی، عبدالله (بی تا) *تنقیح‌المقال فی علم‌الرجال*، تهران: جهان
مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۴ ه. ش) *زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیهم السلام* (جلد دوازدهم بحارالانوار) ترجمه موسی خسروی؛ تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ه ق، ۱۹۸۳ م) *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، لبنان، بیروت، چاپ سوم، ج ۵۰
مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴ ه. ش) *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم
پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۸ ش) *الأرشاد*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲

